

رابطه دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی زنان در شرف طلاق با میانجی‌گری روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه*

لیلا بهنیا^۱، شهره قربان شیرودی^۲، جواد خلعتبری^۳

Relationship between insecure attachment and dysfunctional parenting with women's domestic violence on the verge of divorce through mediation of early maladaptive schemas

Leila Behnia¹, Shohreh Ghorban Shirodi², Javad Khalatbari³

چکیده

زمینه: تحقیقات حاکی از وجود رابطه دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی است؛ این در حالی است که مطابق با مبانی نظری، روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه می‌توانند میانجی‌گر این رابطه باشند. **هدف:** هدف از این پژوهش بررسی رابطه دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی با میانجی‌گری روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه بود. **روش:** این تحقیق همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان در شرف طلاق مراجعه‌کننده به اورژانس‌های اجتماعی شهر تهران تشکیل دادند. حجم نمونه نهایی این پژوهش شامل ۴۳۳ نفر بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار شامل پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی هازن و شاور (۱۹۸۷)، ابعاد والدگری رایبسون و همکاران (۲۰۰۱)، روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه یانگ (۱۹۸۸) و خشونت خانگی رونما نوری (۱۳۸۷) بود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحلیل مسیر بود. **یافته‌ها:** دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد هم به صورت مستقیم و به صورت غیرمستقیم از طریق روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه با خشونت خانگی در زنان در شرف طلاق رابطه مثبت معناداری دارد ($P \leq 0/01$). **نتیجه‌گیری:** این بدان معنی است که دلبستگی ناایمن و والدگری ناکارآمد باعث شکل‌گیری اکثر روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه می‌شوند و از طریق همین روان‌بندها در مراحل بعدی زندگی، زمینه خشونت خانگی را فراهم می‌سازد. **واژه کلیدی‌ها:** خشونت خانگی، طلاق، دلبستگی ناایمن، والدگری ناکارآمد، روان‌بندهای سازش‌نیافته اولیه

Background: Research suggests a relationship between insecure attachment and dysfunctional parenting with domestic violence, whereas, according to theoretical foundations, early maladaptive schemas can mediate this relationship. **Aims:** investigate the relationship between insecure attachment and dysfunctional parenting with domestic violence mediated by early maladaptive schemas. **Method:** The present study is a correlational study of path analysis. The statistical population of the study consisted of all women on the verge of divorce referring to Tehran social emergencies. The final sample size of the study consisted of (n=433) who were selected by Random cluster. Tools included Hazen and Shaver Attachment Styles (1987), Robinson et al.'s Parenting Dimension (2001), Young's Early Maladaptive Schema (1988), and the Roonma Noori Domestic Violence (2008). The method of data analysis was path analysis. **Results:** insecure attachment and dysfunctional parenting have a significant positive relationship both directly and indirectly through early maladaptive schemes with domestic violence in women on the verge of divorce ($p < 0/01$). **Conclusions:** it means that, insecure attachment and dysfunctional parenting lead to the formation of most of the early maladaptive schemas and through these schemas provide the background for domestic violence. **Key words:** Domestic violence, Divorce, Insecure attachment, Ineffective parenting, Early maladaptive schemas

Corresponding Author: shohreshiroudi@gmail.com

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول است

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

۱. Ph.D. Student of Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Research and Science Branch, Tehran, Iran

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Research and Science Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

۳. Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Research and Science Branch, Tehran, Iran

پذیرش نهایی: ۹۸/۰۲/۲۷

دریافت: ۹۸/۰۱/۰۵

مقدمه

مباحث پیرامون خانواده و راه‌های تحکیم آن از دغدغه‌های متداول مجامع علمی است و علوم مربوط به آن، به‌ویژه روانشناسی تلاش می‌کنند که تدابیری به عمل آورند تا عوامل و موارد تهدید کننده را شناسایی کرده و روزبه‌روز میزان ثبات خانواده را فزونی بخشند و آمار طلاق را کاهش دهند (لاورنس^۶ و همکاران، ۲۰۰۸). یکی از مهمترین عوامل تاریخچه‌ای در ارتباط زوج‌ها، شیوه دل بستگی آنهاست که یا ایمن است یا نایمن. طبق نظر بالبی افراد تجربه‌های اولیه خود با مراقبین را درون سازی کرده و سازه‌های شناختی پایداری از روابط را شکل می‌دهند (به نقل از حیدری، قربانی و پورحسن، ۱۳۹۷). برخی پژوهشگران بر این باورند که مشکلات زناشویی، عدم صمیمیت، خشونت‌های خانگی، عدم بخشش بین زوجین در سبک‌های دل بستگی زوج‌ها ریشه دارند، چراکه دل بستگی، پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که نقش قدرتمندی در زندگی عاطفی بزرگسالان دارد (پاپالیا^۷، ۲۰۰۲؛ به نقل از فخری و همکاران، ۱۳۹۷). اگرچه سبک دل بستگی ایمن و نایمن یک طبقه‌بندی استاندارد و شناخته‌شده است، اما در سال‌های اخیر پژوهشگران به دو بعد معتبر یعنی دل بستگی اجتنابی و اضطرابی پرداخته‌اند؛ که بیانگر این است که اجتناب بالا باعث ایجاد فاصله عاطفی، دوری‌گزینی با شریک رابطه و متکی بودن بر خود؛ و اضطراب بالا باعث چسبندگی آزاردهنده، حساسیت بالا به هرگونه نشانه دوری و وابستگی بیش‌ازحد به شریک رابطه است (پاتریک، سلز، گیردانو و تollerud^۸، ۲۰۰۷)؛ بنابراین داشتن سبک دل بستگی نایمن افراد را به این سمت می‌کشاند که رابطه عاشقانه خود را به‌صورت منفی تجربه کنند و در نتیجه آنها در حین مشکلات به سمت رفتارهای مخربی چون خشونت خانگی کشیده می‌شوند (اجسی و جنکوز^۹، ۲۰۱۱). یافته‌های مطالعات انجام‌شده در زمینه دل بستگی و پرخاشگری در روابط زناشویی، همبستگی بین سبک‌های دل بستگی نایمن و خشونت خانگی را مورد تأیید قرار داده‌اند (فولینگاستاد، برادلی، هلف و

ازدواج محبوب‌ترین بنای گسترده جهان هستی در پیشگاه خالق زوج آفرین است (افروز، ۲۰۰۹؛ به نقل از فخری، مهدویان فرد و کیمیایی، ۱۳۹۷) و از دیرباز به‌عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد همواره مورد توجه بوده است (روشنی، ۱۳۹۰). رسیدن به یک ازدواج رضایت‌بخش یا عاشقانه تقریباً یک هدف جهانی است و درگیر بودن در یک رابطه عاشقانه بر زندگی روزمره یک فرد و احساس خوب او تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین این عجیب نیست که انحلال یک رابطه که اسم طلاق به خود گرفته است، می‌تواند عواقب منفی برای بسیار از زوجین داشته باشد (سولومون و جکسون^۱، ۲۰۱۴). خشونت خانگی یکی از مشکلات اجتماعی است که بین زنان و مردان به‌صورت دوجانبه رخ می‌دهد و می‌تواند منجر به پیامدهای جسمی و روانی فراوانی شود و به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر طلاق زوجین شناخته شده است (آلیو، نانو و سالیهو^۲، ۲۰۰۹؛ به نقل از منصفی، احدی و حاتمی، ۱۳۹۷). خشونت خانگی یکی از مسائل جدی بهداشتی است که در کشورهای مختلف شیوع متفاوتی از آن گزارش شده که می‌تواند به دلیل تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف بر آن باشد (کلاپ، تانگ، ولز، استارکس و رودیگو^۳، ۲۰۰۷). مطالعات مختلف در ایران و جهان آمارهای متفاوتی را از شیوع خشونت خانگی و انواع مختلف ارائه می‌دهند (کاپکوار، گاسک، سواب و سیلیک^۴، ۲۰۱۱؛ دلال، لینکوئیست^۵، ۲۰۱۲). در شیلی ۶۳ درصد، در آمریکا ۳۵ درصد، در کلمبیا ۲۰ درصد زنان مورد آزار جسمی شوهرانشان قرار گرفته‌اند. مسئله خشونت علیه زنان آن‌چنان فراگیر و بدون مرز است که نهادهای جهانی نظیر سازمان ملل متحد و سازمان‌های دفاع از حقوق بشر را واداشته است که نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند (السرگ^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). بررسی‌ها در ایران نیز از مواجهه بالای زنان ایرانی با خشونت حکایت دارند. به‌طوری‌که بیش از نیم میلیون نفر از کل ۲۲۵۳۰۰۰ زن مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی طی دوره ۲/۵ ساله، قربانی خشونت خانگی بودند (رفیعی، رفیعی، وامقی و سجادی، ۱۳۹۲).

6. Ellsberg

7. Lawrence

8. Papalia

9. Patrick, Sells, Giordano, & Tollerud

10. Egeci, & Gencoz

1. Solomon, & Jackson

2. Alio, Nana, & Salihu.

3. Klap, Tang, Wells, Starks, & Rodrigue

4. Kopčavar Guček, Švab, & Selič

5. Dalal, & Lindqvist

سازه‌های بنیادی در نظر بگیریم، این فرض مطرح می‌شود که دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد مثل سایر سازه‌های تفاوت‌های فردی، واریانس مشترکی را با روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه داشته باشد. روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه اساساً مضامین ناآشکار و ناهشیاری هستند که توسط افراد حفظ می‌شوند و به‌عنوان الگویی برای پردازش تجارب به کار می‌روند و رفتارها، افکار، احساسات و روابط بین زوجین را تعیین می‌کنند و تحقیقات نشان داده‌اند که تحت تأثیر دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد قرار دارند. حضور روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه در افراد پیش‌بینی‌کننده این است که نسبت به آنها در دوران کودکی بدرفتاری شده و در بزرگسالی با همسر و فرزندان خود با خشونت رفتار خواهند کرد (سامنتا و تومست^۹، ۲۰۱۳). به‌طورکلی به نظر می‌رسد خشونت یکی از راهبردهای کنار آمدن است که فرد برای دوری از تأثیر منفی روان‌بنه‌های سازش‌نیافته برانگیخته‌شده به کار می‌برد (جوو و جکسون^{۱۰}، ۲۰۰۴).

با توجه به شیوع نسبتاً بالای خشونت‌های خانگی و بالطبع افزایش آمار طلاق و همچنین لزوم اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و توانمندسازی اقشار جامعه در راستای کاهش خشونت‌های خانگی، آزمون الگوی نظری طراحی‌شده بر اساس پیشینه پژوهشی و مبانی نظری، جهت بررسی اثر مستقیم دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد بر خشونت خانگی در روابط زناشویی و نیز بررسی نقش میانجی روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه در این رابطه است. لذا هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال است که آیا روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه در رابطه دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی در زنان در شرف طلاق، نقش میانجی دارد؟

روش

مطالعه‌ی حاضر یک تحقیق توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان در شرف طلاق مراجعه‌کننده به اورژانس‌های اجتماعی شهر تهران تشکیل دادند. حجم نمونه بر اساس حداقل‌های لازم برای مدل معادلات ساختاری تعیین شد. براین اساس ۴۴۰ نفر از زنانی که به اورژانس‌های اجتماعی

لوگین^۱، ۲۰۰۲؛ داتون و گودمن^۲، ۲۰۰۵؛ گاور، کاوکین و فاکس^۳، ۲۰۰۸).

یکی دیگر از عوامل ریشه‌داری که می‌تواند در ایجاد بستر روانی خشونت خانگی افراد در دوران ازدواج مؤثر باشد، ناکارآمد بودن والدگری است. سبک والدگری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تحول روانی اجتماعی، عملکرد تحصیلی، رفاه و سلامت و حتی مشکلات رفتاری فرزندان در آینده باشد. شیوه‌های والدگری والدین هم یک عامل ایجادکننده و هم یک عامل بازدارنده رفتارهای ضداجتماعی نظیر خشونت خانگی است (یعقوبی دوست و عنایت، ۱۳۹۳). شواهد نشان می‌دهد که روابط افراد با والدین در دوران کودکی، کیفیت روابط صمیمی آنها را در بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند. برای مثال تجربه یا مشاهده خشونت و سوءاستفاده در خانه با پذیرش و استفاده بیشتر از پرخاشگری در روابط صمیمی بعدی رابطه دارد (دارلینگ، کوهن، برنز و تامپسون^۴، ۲۰۰۸). نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عملکرد خانوادگی والدین با صمیمیت و رضایت زناشویی آینده فرزندان رابطه دارد. نتایج پژوهش شولمن، زولتربیک، شاپار - شاپریا، کانلی و بوهر^۵ (۲۰۱۲) نشان داد که رابطه مادر - دختر بر شایستگی روابط صمیمانه در دختران نوجوانشان تأثیر معنادار دارد. جانسون، نگاین، اندرسون، لیو و ونوم^۶ (۲۰۱۵) نیز نشان دادند که مردان متأهل از خانواده‌های با عملکرد خانوادگی ضعیف که بیشتر استبدادی یا سهل‌گیرانه عمل می‌کردند، به‌واسطه داشتن تعاملات منفی در بین زوجین، روابط زناشویی با موفقیت کمتری داشتند. اوربیک، استاتین، ورمولست، ها و انجلس^۷ (۲۰۰۷) نشان دادند روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه در پیوند والد - کودک بر کیفیت رابطه همسران و سازش‌نیافتگی هیجانی در میانه عمر از طریق یک توالی رشدی خاص تأثیر می‌گذارد.

با توجه به مطالب مطرح‌شده، تشکیل چنین پیوندی و تجربه امنیت در چهارچوب این پیوند، سنگ بنای تحول و کنش‌وری بوده و روش‌های مواجهه فرد با موقعیت‌های تنش‌زا و بروز هیجانانی نظیر خشم و پرخاشگری را در روابط بین زوجین متأثر می‌سازد (چانگ و جوی^۸، ۲۰۱۴). اگر دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد را به‌عنوان

6. Johnson, Nguyen, Anderson, Liu, & Vennum,

7. Overbeek, Stattin, Vermulst, Ha & Engels

8. Chung, & Choi

9. Samanta, & Tompsett

10. Jovev, & Jackson

1. Follingstad, Bradley, Helff, & Laughlin.

2. Dutton, & Goodman

3. Gover, Kaukinen, & Fox

4. Darling, Cohan, Burns, & Thompson

5. Shulman, Zlotnik, Shachar-Shapira, Connolly, & Bohr

پرسشنامه را ۰/۸۱ و قابلیت اعتماد با آلفای کرونباخ را ۰/۸۷ به دست آورد. هازن و شاور (۱۹۸۷) درستی صوری و محتوایی را خوب و درستی سازه آن را در حد بسیار مطلوب گزارش نمودند. ضریب آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش رحیمیان بوگر، نوری، عریضی، مولوی و فروغی مبارکه (۱۳۸۶) برای کل آزمون سبک دوسوگرا، سبک اجتنابی و سبک ایمن به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۸۳، ۰/۸۱ و ۰/۷۷ به دست آمد که قابلیت اعتماد بالا را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای سبک دلبستگی اضطرابی ۰/۸۲ و برای سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسشنامه ابعاد والدگری رابینسون، مندلیکو، اولسن و هارت^۲ (۲۰۰۱): این پرسشنامه یک آزمون ۳۲ سؤالی که سؤال‌های این پرسشنامه برای اندازه‌گیری سه سبک مقتدر (۱۵ سؤال)، مستبد (۱۲ سؤال) و سهل‌گیر (۵ سؤال) بر پایه نظریه و سبک‌های والدگری بامریند تنظیم و تدوین گردیده است. نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت همیشه نمره ۵، بیشتر وقت‌ها نمره ۴، تقریباً متوسط نمره ۳، گاهی نمره ۲ و هرگز به صورت ۱ است. حداقل نمره آزمودنی ۳۲ و حداکثر نمره آزمودنی در این آزمون نمره برابر ۱۶۰ است. جورج^۳ (۲۰۰۴) در پژوهش خود ضریب پایایی این مقیاس را ۰/۷۹ برآورد کرده است و در این پژوهش بر پایه گروه نمونه ضرایب آلفای کرونباخ سبک‌های مقتدر، مستبد و سهل‌گیر به ترتیب برابر با ۰/۸۳، ۰/۹۰، ۰/۶۱ بوده است و ضریب آلفای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. ضریب آلفای کل پرسشنامه در پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه یانگ (۱۹۸۸): این پرسشنامه ۷۵ ماده دارد و یانگ (۱۹۸۸) آن را برای ارزیابی روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه ساخته است. هر ماده بر اساس مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود، نمره صفر برای کاملاً غلط و نمره ۵ برای کاملاً درست. در پژوهش حاضر ۵ حوزه طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگرجهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی با استفاده از این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفتند. در مطالعه ولبرن، کوریستین، داگ، پونتفرکت و جردن^۴ (۲۰۰۲)، کلیه خرده مقیاس‌های ۱۵ گانه فرم کوتاه پرسشنامه روان‌بنه از همسانی درونی کافی تا بسیار خوبی برخوردار

شهر تهران مراجعه کردند به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. به این صورت که ۶ مرکز از مراکز اورژانس‌های اجتماعی (وابسته به بهزیستی) به صورت خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و همه زنانی که در بازه زمانی ۹ ماهه به این مراکز مراجعه کردند، انتخاب شدند (۴۴۰ نفر). در تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار Amos ۲۴ و spss ۲۵ استفاده شد. با توجه به اینکه نمرات ۷ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر پرت تشخیص داده شد و به جهت اینکه داده‌های پرت بر برازش مدل، تأثیر منفی می‌گذارد، لذا از جریان تحلیل حذف گردیدند و بنابراین حجم نمونه نهایی در پژوهش حاضر شامل ۴۳۳ نفر شد.

ابزار

پرسشنامه خشونت خانگی رونما نوری (۱۳۸۷): پرسشنامه‌ی خشونت خانگی: پرسشنامه خشونت خانگی در سال ۱۳۸۷ توسط رونما نوری تهیه شده است که شامل ۴۵ پرسش است. ۱۸ گویه آن مربوط به اطلاعات جمعیت شناختی و منابع حمایتی، ۱۸ گویه آن مربوط به خشونت جسمانی روانشناختی و ۷ گویه‌ی دیگر آن مربوط به خشونت جنسی و ۲ گویه پایانی آن پرسش‌های کلی مربوط به خشونت جسمانی روانشناختی و خشونت جنسی است که جهت تعیین درستی کل پرسشنامه طراحی شده‌اند. این مقیاس در پنج درجه به شیوه لیکرت (خیلی زیاد = ۵ تا هیچ وقت = ۱) نمره‌گذاری می‌شود. حداکثر نمره خشونت خانگی کلی ۱۲۵ و حداقل ۲۵ است. ضریب درستی به دست آمده با استفاده از نظر متخصصان در بخش خشونت خانگی جسمانی - روانشناختی ۰/۸۴ و برای خشونت جنسی ۰/۸۲ ارزیابی گردید و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمده است (نوری، ۱۳۸۷). ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۸۶ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شاور^۱ (۱۹۸۷): این پرسشنامه توسط هازن و شاور (۱۹۸۷) ساخته شد دارای ۱۵ گویه است که به هر یک از سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا پنج گویه تعلق می‌گیرد. نمره‌گذاری در این پرسشنامه به صورت خیلی زیاد (نمره ۵)، (زیاد نمره ۴)، متوسط (نمره ۳)، کم (نمره ۲) و خیلی کم (نمره ۱) صورت می‌گیرد. حداقل نمره آزمودنی ۱۵ و حداکثر نمره آزمودنی ۷۵ است. هازن و شاور قابلیت اعتماد کل این

3. George

4. Welburn, Coristine, Dag, Pontefract, & Jordan

1. Hazan, & Shaver

2. Robinson, Mandelco, Olsen, & Hart

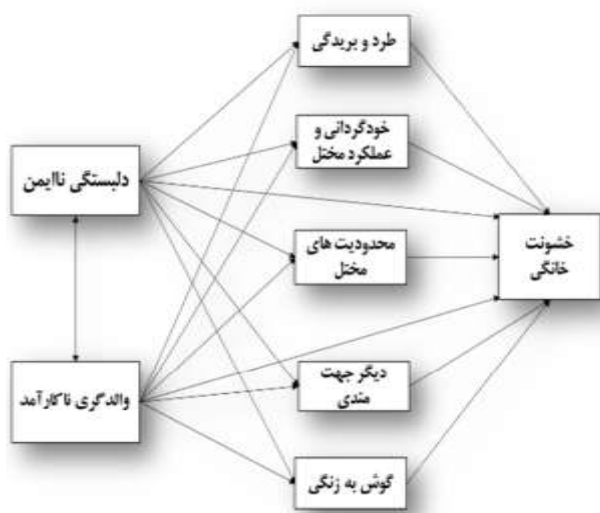
خودگردانی و عملکرد مختل (۶۷/۱۹)، محدودیت‌های مختل (۳۴/۸۶)، دیگرجهت‌مندی (۳۴/۳) و گوش‌به‌زنگی (۵۶/۱) است. در پژوهش حاضر برای بررسی برای همبستگی درونی متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه گردیده است.

متغیرها	میانگین ± انحراف معیار
خشونت خانگی	۱۱/۵۵ ± ۷۱/۷۵
دلبستگی نایمن	۴/۰۸ ± ۱۹/۰۸
والدگری ناکارآمد	۵/۱۸ ± ۳۱/۱۷
طرد و بریدگی	۱۲/۰۲ ± ۸۷/۹۶
خودگردانی و عملکرد مختل	۱۱/۵۵ ± ۶۷/۱۹
محدودیت‌های مختل	۷/۰۳ ± ۳۴/۸۶
دیگرجهت‌مندی	۸/۱۲ ± ۳۴/۳
گوش‌به‌زنگی	۱۰/۱۴ ± ۵۶/۱

یافته‌ها

از مجموع ۴۳۳ نفر شرکت‌کننده در پژوهش حاضر که دارای سطح تحصیلات دیپلم به بالا بودند، ۸۰ درصد آنها در دامنه سنی ۱۵ تا ۴۹ سال قرار داشتند. میانگین طول مدت ازدواج شرکت‌کننده‌ها در پژوهش حاضر ۱۳/۸ سال بود. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش ارائه گردیده است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات خشونت خانگی (۷۱/۷۵)، پرخاشگری (۳۴/۹۹)، والدگری ناکارآمد (۳۱/۱۷)، دلبستگی نایمن (۱۹/۰۸)، طرد و بریدگی (۹۶/۸۷)،

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	خشونت خانگی	-						
۲	دلبستگی نایمن	۰/۷۱ ^{**}	-					
۳	والدگری ناکارآمد	۰/۶۴ ^{**}	۰/۶۸ ^{**}	-				
۴	طرد و بریدگی	۰/۵۳ ^{**}	۰/۶۲ ^{**}	۰/۶۴ ^{**}	-			
۵	عملکرد مختل	۰/۵۵ ^{**}	۰/۴۹ ^{**}	۰/۴۸ ^{**}	۰/۳۷ ^{**}	-		
۶	محدودیت‌های مختل	۰/۵۸ ^{**}	۰/۴۶ ^{**}	۰/۲۳ ^{**}	۰/۴۳ ^{**}	۰/۴۸ ^{**}	-	
۷	دیگرجهت‌مندی	۰/۲۸ ^{**}	۰/۵۲ ^{**}	۰/۵۲ ^{**}	۰/۳۵ ^{**}	۰/۳۶ ^{**}	۰/۳۵ ^{**}	-
۸	گوش‌به‌زنگی	۰/۱۸ [*]	۰/۲۷ ^{**}	۰/۱۹ [*]	۰/۳۷ ^{**}	۰/۲۸ ^{**}	۰/۳۸ ^{**}	۰/۳۲ ^{**}



نمودار ۱. الگوی پیشنهادی پژوهش

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که روابط متغیرهای دلبستگی نایمن (۰/۷۱) و والدگری ناکارآمد (۰/۶۴) ($P \leq 0/01$ و $r = 0/64$)، طرد و بریدگی (۰/۵۳) و عملکرد مختل (۰/۵۵) ($P \leq 0/01$ و $r = 0/55$) و محدودیت‌های مختل (۰/۵۸) و گوش‌به‌زنگی (۰/۲۸) ($P \leq 0/01$ و $r = 0/18$) و دیگرجهت‌مندی (۰/۲۸) ($P \leq 0/01$ و $r = 0/28$) با خشونت خانگی مثبت و معنادار است.

الگوی مفهومی پیشنهادی پژوهش (نمودار ۱) از طریق تحلیل مسیر بررسی شد. در نمودار ۱ مدل پیشنهادی پژوهش حاضر با عنوان رابطه دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی در افراد در شرف طلاق با میانجی‌گری روان‌بنه‌های سازش‌نا یافته اولیه ارائه گردیده است.

از واریانس‌های طرد و بریدگی، ۳۴ درصد از واریانس‌های خودگردانی و عملکرد مختل، ۴۵ درصد از واریانس‌های دیگرجهت‌مندی را تبیین می‌کنند؛ اما تنها بین دل‌بستگی نایمن و محدودیت‌های مختل رابطه مثبت معناداری مشاهده شد ($p < 0/01$) و توانست ۱۲ درصد از واریانس‌های محدودیت‌های مختل را پیش‌بینی کند. از طرفی از بین روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه طرد و بریدگی با ($p < 0/01$ ، $\beta = 0/22$)، خودگردانی و عملکرد مختل با ($p < 0/01$ ، $\beta = 0/40$)، محدودیت‌های مختل با ($p < 0/01$ ، $\beta = 0/48$) با خشونت خانگی رابطه مستقیم مثبتی وجود دارد. در بررسی رابطه مستقیم و غیرمستقیم دل‌بستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مشخص شد که رابطه مستقیم دل‌بستگی نایمن با خشونت خانگی با ($\beta = 0/48$) و رابطه غیرمستقیم آن با میانجی‌گری روان‌بنه‌های طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل و محدودیت‌های مختل با ($\beta = 0/21$) مثبت و معنادار به دست آمد. از سوی دیگر رابطه مستقیم والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی با ($\beta = 0/46$) و رابطه غیرمستقیم آن با میانجی‌گری روان‌بنه‌های طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل با ($\beta = 0/18$) مثبت و معنادار به دست آمد. به‌طورکلی مجموعی از متغیرهای دل‌بستگی نایمن، والدگری ناکارآمد و روان‌بنه‌های حوزه طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل و محدودیت‌های مختل توانسته ۶۵ درصد از واریانس‌های خشونت خانگی را پیش‌بینی کند ($R^2 = 0/65$).

جدول ۳. برازش مربوط به الگوی پیشنهادی پژوهش

الگو	X ² /df	GFI	CFI	NFI	RMSEA
پیشنهادی	۱/۳۶	۰/۷۵	۰/۷۳	۰/۸۶	۰/۱۸

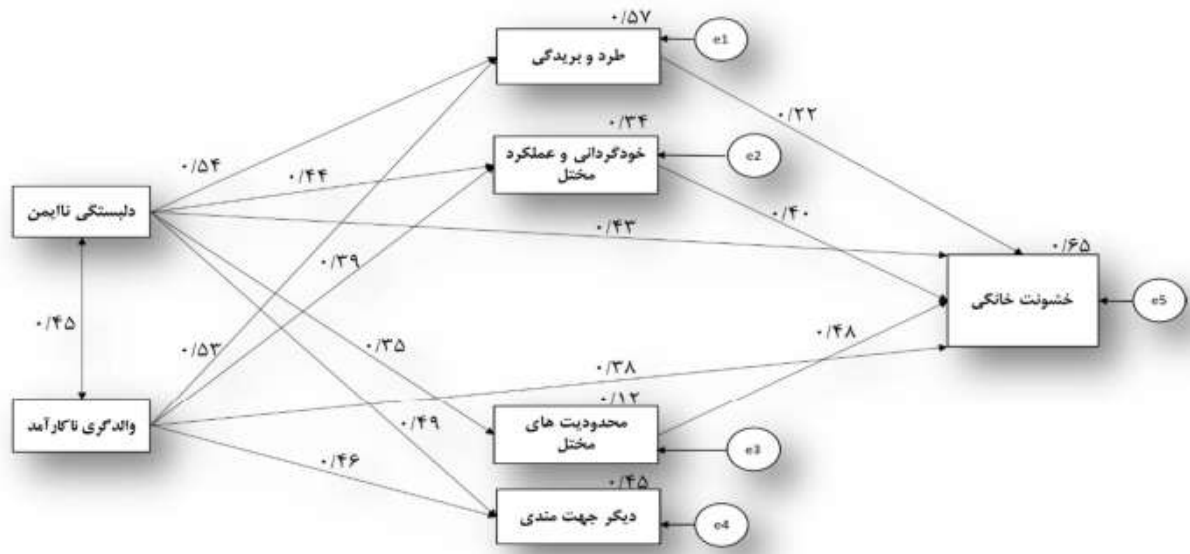
همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۷۵، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (CFI) برابر با ۰/۷۳، شاخص نیکویی برازش هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۸۶ به‌دست آمده‌اند. لذا با توجه به اینکه میزان اکثر این شاخص‌ها کمتر از میزان ۰/۹۰ هستند و همچنین میزان تقریب ریشه میانگین مجذور خطا بیشتر از میزان ۰/۰۸ است، می‌توان گفت که اندازه شاخص‌ها حاکی از عدم برازش الگوی اندازه‌گیری با الگوی ساختاری پیشنهادی دارد. به همین جهت با بررسی میزان بار عاملی متغیرهای پیش‌بین، میانجی و ملاک، برخی از مسیرها که بار عاملی معناداری نداشتند از مدل پیشنهادی حذف شدند و بعد از اصلاحیه‌های لازم، مدل مجدد طراحی گردید. نتایج حاصل از برازش این الگو در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مربوط به الگوی اصلاحی پژوهش

الگو	X ² /df	GFI	CFI	NFI	RMSEA
نهایی	۱/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۰۴

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۸، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته (CFI) برابر با ۰/۹۷، شاخص نیکویی برازش هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۶ به‌دست آمده‌اند. اندازه شاخص‌های حاصل از بررسی برازش الگوی ساختاری دوم، حاکی از برازش خوب مدل است. تقریب ریشه میانگین مجذور خطا (RMSEA) برابر با ۰/۰۴ به‌دست آمده است و کمتر از میزان ۰/۰۸ است و این شاخص نیز بیانگر برازش خوب مدل است. نمودار ۲ ضرایب و واریانس تبیین شده متغیرهای مربوط به الگوی برازش شده پژوهش را نشان می‌دهند. اعداد روی پیکان‌ها ضرایب بتای استاندارد شده و اعداد روی مستطیل‌ها مربوط به واریانس تبیین شده هر یک از متغیرهاست.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، بین دل‌بستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با هرکدام از روان‌بنه‌های طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل و دیگرجهت‌مندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$). این دو متغیر در مجموع ۰/۵۷ درصد



نمودار ۲. الگوی پیشنهادی پژوهش

جدول ۵. ضرایب و واریانس تبیین شده مدل برازش شده				
مسیرهای موجود در الگو	تأثیرات			واریانس تبیین شده (R ²)
	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثرات کل	
دلبستگی نایمن -> طرد و بریدگی	0.54 ⁰⁰	-	0.54	0.57
والدگری ناکارآمد -> طرد و بریدگی	0.53 ⁰⁰	-	0.53	0.57
دلبستگی نایمن -> خودگردانی و عملکرد مختل	0.44 ⁰⁰	-	0.44	0.34
والدگری ناکارآمد -> خودگردانی و عملکرد مختل	0.39 ⁰⁰	-	0.39	0.34
دلبستگی نایمن -> محدودیت‌های مختل	0.35 ⁰⁰	-	0.35	0.12
دلبستگی نایمن -> دیگر جهت مندی	0.49 ⁰⁰	-	0.49	0.45
والدگری ناکارآمد -> دیگر جهت مندی	0.46 ⁰⁰	-	0.46	0.45
طرد و بریدگی -> خشونت خانگی	0.22 ⁰⁰	-	0.22	0.65
خودگردانی و عملکرد مختل -> خشونت خانگی	0.40 ⁰⁰	-	0.46	0.65
محدودیت‌های مختل -> خشونت خانگی	0.48 ⁰⁰	-	0.48	0.65
دلبستگی نایمن -> خشونت خانگی	0.48 ⁰⁰	0.21	0.69	0.65
والدگری ناکارآمد -> خشونت خانگی	0.46 ⁰⁰	0.18	0.64	0.65

بحث و نتیجه‌گیری

که سبک‌های دلبستگی نایمن اضطرابی و اجتنابی با اکثر روان‌بانه‌های حوزه طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل و دیگر جهت‌مندی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. یانگ معتقد بود که روان‌بانه‌های ناکارآمد به دلیل ارضا نشدن پنج نیاز هیجانی اساسی، از جمله نیاز به دلبستگی ایمن در دوران کودکی به وجود می‌آیند (یانگ، کلووسکو و ویشار، ۲۰۰۳). به نظر بالبی رابطه نایمن موجب بی‌اعتمادی، مشکل در هماهنگی، حساس بودن و نارضایتی هیجانی در روابط عاشقانه می‌شود. او معتقد بود انسان‌ها برای برقراری تعادلی پویا بین آشنایی

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی با میانجی‌گری روان‌بانه‌های سازش‌نیافته اولیه انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل مسیر مدل مفهومی نشان داد که بین دلبستگی نایمن و روان‌بانه‌های طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل و دیگر جهت‌مندی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج تحقیقات فولینگا ستاد و همکاران (۲۰۰۲)، داتون و گودمن (۲۰۰۵)، گاور و همکاران (۲۰۰۸) همخوانی دارد. این تحقیقات نشان دادند

1. Young, Klosko, & Weishaar

جهت‌دهی شوند، از محیط بیرونی تأثیر می‌پذیرند و از خواسته‌های دیگران تبعیت می‌کنند. این کار به منظور دریافت عشق و پذیرش، تداوم ارتباط با دیگران یا اجتناب از انتقام و تلافی صورت می‌گیرد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ ریچاردسون^۳، ۲۰۰۵؛ کاستیل، پروت، مارکزیک و شمیدهایسر^۴، ۲۰۰۷) که این همسو با این نتیجه پژوهش حاضر است که والدگری ناکارآمد پیش‌بینی‌کننده مثبت روان‌بنه‌های حوزه دیگرجهت‌مندی است.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که از بین روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه روان‌بنه‌های حوزه طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل و محدودیت‌های مختل با خشونت خانگی رابطه مثبت معناداری دارند و آن را به صورت مثبت پیش‌بینی می‌کنند. به طور کلی افراد با روان‌بنه حوزه طرد و بریدگی رفتارهایی نظیر وابستگی زیاد، سلطه‌گری یا کنترل کردن همسر نشان می‌دهند. آنها معتقد هستند هر لحظه احتمال دارد، افراد مهم زندگی آنها، آنها را ترک کنند یا به دیگری علاقه‌مند شود روان‌بنه نقص و شرم، روان‌بنه سازش‌نیافته دیگری که با خشم مرتبط است. افراد با روان‌بنه نقص و شرم در مقایسه با همسن و سال‌های خود، خود را بی‌کفایت دانسته و بدون شک در دستیابی به حد معقول پیشرفت (در زمینه‌های تحصیلی، شغلی و...) شکست خواهند خورد. چنین کسانی اغلب در مقایسه با دیگران حرمت خود پایین‌تری دارند. پژوهش‌های محققان، نشان داده است، بین حرمت خود پایین و خشونت خانگی علیه زنان رابطه مستحکمی وجود دارد (سامنتا و تومست، ۲۰۱۳). افراد با روان‌بنه معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی، نیز دارای قوانین انعطاف‌ناپذیر و بایدهای فراوان هستند. آنها برای ارزیابی دیگران معیارهای بالایی دارند. حضور چنین روان‌بنه‌ای در حوزه روابط صمیمانه از جمله روابط زناشویی، فشار و تنش ایجاد می‌کند و به بروز خشونت می‌انجامد.

یافته دیگر پژوهش حاضر رابطه مستقیم و غیرمستقیم دل‌بستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی است. نتایج نشان داد که بین دل‌بستگی نایمن و والدگری نایمن با خشونت خانگی رابطه مستقیم و مثبت معناداری وجود دارد. این یافته‌ها در خصوص نقش دل‌بستگی نایمن با یافته‌های مطالعات انجام شده توسط میکولینسر و شاور^۴ (۲۰۰۵) همسو است، آنها دریافتند که سبک‌های دل‌بستگی

و ماجراجویی برانگیخته می‌شوند. به زبان پیاژه‌ای، حفظ تعادل بین درونی‌سازی و برون‌سازی، هدف اولیه برانگیختگی افراد است، درحالی‌که روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه این تعادل را برهم می‌زنند. افراد دارای دل‌بستگی نایمن به جای اینکه اطلاعات جدید را به شیوه‌ای درون‌سازی کنند که روان‌بنه و تحریفشان را تأیید نکنند، شواهد جدید را نادیده می‌گیرند و در نتیجه روان‌بنه‌هایشان همچنان دست‌نخورده و بدون تغییر باقی می‌ماند (بالبی^۱، ۱۹۸۰؛ به نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد که والدگری ناکارآمد با روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه در حوزه‌های طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل و دیگرجهت‌مندی رابطه مثبت معناداری دارد. محققان نشان دادند که حضور روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه در افراد پیش‌بینی‌کننده این است که نسبت به آنها در دوران کودکی بد رفتاری شده است؛ تحقیقات مؤید این نکته است که افرادی که در دوران کودکی به شیوه‌ای ناکارآمد با آنها برخورد شده است دارای سطح بالایی از روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه هستند (سامنتا و تومست، ۲۰۱۳). براساس دیدگاه یانگ، روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه اغلب به دلیل ارضانشدن پنج نیاز تحولی دوران کودکی به وجود می‌آیند: ۱. دل‌بستگی ایمن به دیگران. ۲. استقلال عمل، کفایت و حس هویت. ۳. آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های منطقی و سالم؛ ۴. خودانگیختگی و تفریح؛ ۵. محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویش‌داری (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). با توجه به اینکه والدین در شیوه والدگری ناکارآمد با بعد غالب مهار کردن، دخالت، رهبری و مهار کردن از طریق ایجاد احساس گناه و تقصیر را نسبت به استقلال عمل در فرزندان ترجیح می‌دهند، این نیازها را نادیده گرفته و در نتیجه منجر به شکل‌گیری بیشتر روان‌بنه‌های سازش‌نیافته اولیه از جمله روان‌بنه‌های حوزه طرد و بریدگی و خودگردانی و عملکرد مختل در فرزندان می‌شوند (حاجی کاظم تهرانی، اسمعیلی و فتحی آشتیانی، ۱۳۹۳). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که افراد دارای روان‌بنه‌های حوزه دیگرجهت‌مندی (اطاعت و ایثار) در دوران کودکی، بیش از حد تحت مهار کردن والدین خود بوده و آزاد نبوده‌اند تا از تمایلات طبیعی خود پیروی کنند و در بزرگسالی به جای اینکه از درون

3. Castille, Prout, Marczyk, & Shmidheiser

4. Mikulincer, & Shaver

1. Bowlby

2. Richardson

آینده تأثیر زیادی بگذارد.

در تبیین این یافته می توان گفت که سبک والدگری مستبدانه برحسب دو ویژگی پاسخگویی کم و مطالبه گیری زیاد شکل می گیرد (بامریند^۴، ۱۹۹۱). فرزندان والدین دارای سبک والدگری مستبدانه، تحت تأثیر قواعد سخت، انتظار اطاعت بی چون و چرا و دخالت ها و محدودیت های رفتاری تعیین شده از سوی والدین (بارتل^۵، ۲۰۰۵) از یک سو و واکنش های شدید مثل تنبیه کلامی و فیزیکی (جانسون، ۲۰۰۶) از سوی دیگر، از آمادگی اضطراب پذیری بالایی برخوردار می شوند و در شرایط تنش زا به رفتارهای خشن توسل می جویند (اوندر و گولای^۶، ۲۰۰۹). این زمینه های تربیتی، احساس مسئولیت پذیری فرزندان والدین مستبد را تضعیف می کند و آن ها را از نظر اجتماعی ناتوان می سازد (بوث - لافورس و آکسفورد^۷، ۲۰۰۸). همین ویژگی ها، رابطه والدگری مستبدانه والدین با مشکلات زناشویی چون خشونت فرزندان را توجیه می کند. از سوی دیگر پاسخگویی زیاد والدین سهل گیر باعث می شود که فرزندان آنها فرضت فراگیری پیروی از قواعد را از دست بدهند (جانسون، ۲۰۰۶)؛ وضعیتی که قدرت مهار کردن رفتاری این فرزندان را تحلیل می برد و آنها را در زمینه روابط بین شخصی، مخصوصاً روابط بین زوجین، با مشکل مواجه می سازد و احتمال برخوردهای خشونت آمیز در آنها بیشتر است. آزادی بیش از حد فرزندان والدین سهل گیر، انضباط و فراگیری مسئولیت پذیری آنها را تضعیف می کند (اوندر و گولای، ۲۰۰۹). این بی انضباطی و عدم مسئولیت پذیری می تواند در مراحل بعدی زندگی مشکلات زناشویی بیشتر را توجیه کند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد از طریق روان بنه های سازش نیافته اولیه با خشونت خانگی مرتبط می شوند. همان طور که گفته شد دلبستگی نایمن (فولینگاستاد و همکاران، ۲۰۰۲؛ داتون و گودمن، ۲۰۰۵؛ گاور و همکاران، ۲۰۰۸) و والدگری ناکارآمد (حاجی کاظم نهرانی و همکاران، ۱۳۹۳؛ سامنتا و تومست، ۲۰۱۳؛ کاستیل و همکاران، ۲۰۰۷) از تعیین کننده های مهم روان بنه های سازش نیافته اولیه شناخته شده اند.

نایمن (اجتنابی و اضطرابی) با خصومت، خشم و نفرت در روابط زناشویی مرتبط است. همچنین استیث، مک کالوم و روزن^۱ (۲۰۱۱) نشان دادند که دلبستگی نایمن همسر به احتمال بیشتری با کاربرد پرخاشگری به عنوان رفتاری در جهت دور نمودن همسر و پاسخ های پرخاشگرانه بیشتر در روابط زناشویی، توأم است. داتون و وایت^۲ (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دلبستگی نایمن، احتمال پرخاشگری را در روابط صمیمانه افزایش می دهد. کلیفورد^۳ (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود نشان داد، زوجینی که رفتار پرخاشگرانه در رابطه با همسر خود دارند، از دلبستگی نایمن برخوردارند.

افراد اجتنابی از هر حالتی که با سیستم دلبستگی مرتبط با شد، اجتناب کرده و طبق نظر آنها، خشم فرد اجتنابی، می تواند به صورت ناهشیارانه و ناآگاهانه، به صورت خصومت نامشخص و در قالب بازخوردهای تنفرآمیز نسبت به همسرشان بروز یابد. اشخاص ایمن هنگام تعامل با دیگران به نیازهای خود و نیازهای طرف مقابل توجه دارند (جانسون و همکاران، ۲۰۱۵). آن هنگام در مواجهه با تعارضات نیز، رفتاری سازنده دارند. در نتیجه دوام و استحکام روابط صمیمانه آنها طولانی تر است. همه این عوامل دست به دست هم داده و به افزایش رضایت زناشویی و کاهش اعمال خشونت در آنها منجر می شود. در مقابل اشخاص نایمن هنگام تعامل با دیگران احساس ناامنی می کنند. به همین دلیل، با روابط بی ثبات، هیجانی و توأم با حسادت برقرار می کنند. آنها به دلیل فقدان اطمینان به همسر و نیز افکار بدبینانه و حسادت، بیشتر دست به خشونت می زنند. احساس حسادت، ترس از صمیمی شدن و رفتارهای متکی به خود که در افراد با دلبستگی نایمن اجتنابی دیده می شود، باعث می شود خطرجویی و طلاق در آنها افزایش یابد (فولینگاستاد و همکاران، ۲۰۰۲).

از سوی دیگر نتایج پژوهش حاضر در خصوص رابطه فرزندپروی ناکارآمد با خشونت خانگی با یافته های شولمن و همکاران (۲۰۱۲)، جانسون و همکاران (۲۰۱۵)، اوربیک و همکاران (۲۰۰۷) همسو است. این تحقیقات نشان داده اند که رابطه والد - کودک می تواند بر سطح سازگاری و انعطاف پذیری فرزندان در

5. Bartell
6. Önder, & Gülay
7. Booth-LaForce, & Oxford

1. Stith, McCollum, & Rosen,
2. Dutton, & White
3. Clifford
4. Baumrind

حیدری، آتنا؛ قربانی، نیما؛ پورحسن، رضا (۱۳۹۷). تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی با میزان رضایت از زندگی: نقش واسطه‌ای رضایتمندی از نیازهای بنیادی روانی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۷(۷۰)، ۶۵۰-۶۴۳.

رحیمیان بوگر، اسحاق؛ نوری، ابوالقاسم؛ عریضی، حمیدرضا؛ مولوی، حسین؛ فروغی مبارکه، احمدرضا (۱۳۸۵). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی بزرگ‌سال با جهت‌گیری به کار و درگیری با کار در پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، ۱۳(۳)، ۱۳۴-۱۰۹.

رفیعی، حسین؛ رفیعی، حسن؛ وامقی، مروئه؛ سجادی، حمیرا (۱۳۹۲). روانساز و هنجاریابی مقیاس مواجهه کودک با خشونت خانگی. *رفاه اجتماعی*، ۵۱(۱۳)، ۱۶۷-۱۸۸.

روشنی، فرناز؛ حسن آبادی، حسین (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی درمان هیجان مدار (EFT) با درمان عقلانی هیجانی رفتاری (REBT) در افزایش سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فرودوسی مشهد.

فخری، مریم السادات؛ مهدویان فرد، راحله؛ کیمیایی، سید علی (۱۳۹۷). پیش‌بینی احتمال طلاق زنان براساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و توانش حل مسئله خانواده. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانگری*، ۹(۳۳)، ۲۲۲-۲۰۷.

محمدی، سید داوود؛ نوروزی نژاد، غلامحسین؛ رحمتی نژاد، پروین؛ اکبری، ولی‌الله (۱۳۹۶). همبستگی سبک‌های دلبستگی و روان‌بند‌های سازش‌نا یافته اولیه در دانشجویان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۱(۹)، ۶۰-۵۲.

منصفی، سارا؛ احدی، حسن؛ حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۷). بررسی اثربخشی گروه‌درمانگری حمایتی با رویکرد واقعیت‌درمانگری، بر امیدواری و مسئولیت‌پذیری زنان مطلقه قربانی خشونت خانگی. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۷(۶۹)، ۵۷۴-۵۶۷.

نوری، رونما (۱۳۸۷). بررسی وضعیت خشونت علیه زنان در شهرستان مریوان. قابل دسترس در <http://renesans.news.wordpress.com>

یعقوبی دوست، محمود؛ عنایت، حلیمه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین شیوه‌های والدگری والدین با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز. *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۳(۸)، ۷۸-۶۱.

Antoine, P., Antoine, C., & Nandrino, J. L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *International*

روان‌بند‌های سازش‌نا یافته اولیه چون طرد و بریدگی، خوگردانی و عملکرد مختل و محدودیت‌های مختل با تأثیرگذاری بر نحوه تفسیر فرد از رویدادها، باعث می‌شوند که وی به صورت انتخابی به اطلاعات تأییدکننده روان‌بند توجه کند و اطلاعات متعارض با آن را نادیده بگیرد (زیگلر - هیل، گرین، آرنو، سیسمور و مایرز، ۲۰۱۱). این سبک نگاه و تفسیر روان‌بند محور، روابط بین شخصی فرد را مخصوصاً در چارچوب روابط زناشویی، برحسب فهم اشتباه، دیدگاه‌های تحریف‌شده، مفروضه‌های غلط و انتظارات و اهداف غیرواقع‌بینانه با مشکل مواجه می‌سازد (آنتوین، آنتوین و ناندینو، ۲۰۰۸). این مکانیسم‌ها نقش واسطه‌ای روان‌بند‌های سازش‌نا یافته اولیه را در رابطه دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد با خشونت خانگی در زوجین را نشان می‌دهند.

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که چگونه دلبستگی نایمن و والدگری ناکارآمد باعث شکل‌گیری اکثر روان‌بند‌های سازش‌نا یافته اولیه می‌شوند و از طریق همین روان‌بند‌ها در مراحل بعدی زندگی زمینه خشونت خانگی و نارضایتی‌های زوجین و خانواده‌ها را فراهم می‌سازد. این یافته‌ها می‌توانند در خدمت شناخت بهتر عوامل ایجادکننده و همبسته‌های خشونت خانگی که باعث نارضایتی‌های زناشویی می‌شوند، قرار گیرند و نظریه‌های مربوط به روانشناسی خانواده را غنی‌تر کنند. یکی از محدودیت‌های این پژوهش ماهیت طرح پژوهش است که از نوع همبستگی است و به‌صورت مقطعی انجام شده است؛ بنابراین اسنادهای مطرح شده نمی‌توانند الزاماً علت‌شناسی تلقی شوند. نمونه موردبررسی در این پژوهش به‌صورت در دسترس انتخاب شدند و این محدودیت، قابلیت تعمیم نتایج را محدود می‌کند. به‌منظور شناخت بهتر تأثیرات آسیب‌زای دلبستگی نایمن، والدگری ناکارآمد و روان‌بند‌های سازش‌نا یافته اولیه بر روابط بین شخصی و روابط زوجین، پیشنهاد می‌شود که رابطه این سه متغیر در نمونه‌های بالینی شامل نمونه‌های مبتلا به اختلالات روانشناختی و شخصیت موردبررسی قرار گیرد.

منابع

حاجی کاظم تهرانی، مریم؛ اسمعیلی، معصومه؛ فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۳). رابطه شیوه‌های والدگری ادراک‌شده با روان‌بند‌های سازش‌نا یافته اولیه و جهت‌گیری مذهبی. *روانشناسی دین*، ۳(۲۷)، ۱۰۸-۹۳.

2. Antoine, P., Antoine, C., & Nandrino

1. Zeigler-Hill, Green, Arnau, Sisemore, & Myers,

- students. *Journal of Interpersonal Violence*, 23(12), 1667-1693.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52(3), 511-524.
- Johnson, A. K. (2006). *Physical and psychological aggression and the use of parenting styles: A comparison of African-American and Caucasian families*. Unpublished doctoral dissertation, University of Maryland
- Johnson, M. D., Nguyen, L., Anderson, J. R., Liu, W., & Vennum, A. (2015). Pathways to romantic relationship success among Chinese young adult couples: Contributions of family dysfunction, mental health problems, and negative couple interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 32(1), 5-23.
- Jovev, M., & Jackson, H. J. (2004). Early maladaptive schemas in personality disordered individuals. *Journal of Personality Disorders*, 18(5), 467-478.
- Klap, R., Tang, L., Wells, K., Starks, S. L., & Rodriguez, M. (2007). Screening for domestic violence among adult women in the United States. *Journal of General Internal Medicine*, 22(5), 579-584.
- Kopčavar Guček, N., Švab, I., & Selič, P. (2011). The prevalence of domestic violence in primary care patients in Slovenia in a five-year period (2005-2009). *Croatian medical journal*, 52(6), 728-734.
- Lawrence, E., Bunde, M., Barry, R. A., Brock, R. L., Sullivan, K. T., Pasch, L. A., ... & Adams, E. E. (2008). Partner support and marital satisfaction: Support amount, adequacy, provision, and solicitation. *Personal Relationships*, 15(4), 445-463.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2005). Attachment theory and emotions in close relationships: Exploring the attachment-related dynamics of emotional reactions to relational events. *Personal Relationships*, 12(2), 149-168.
- Önder, A., & Gülay, H. (2009). Reliability and validity of parenting styles & dimensions questionnaire. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 1(1), 508-514.
- Overbeek, G., Stattin, H., Vermulst, A., Ha, T., & Engels, R. C. (2007). Parent-child relationships, partner relationships, and emotional adjustment: A birth-to-maturity prospective study. *Developmental Psychology*, 43(2), 429-437.
- Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The family journal*, 15(4), 359-367.
- Richardson, G. (2005). Early maladaptive schemas in a sample of British adolescent sexual abusers: Implications for therapy. *Journal of Sexual Aggression*, 11(3), 259-276.
- Robinson, C. C., Mandelco, B., Olsen, S. F., & Hart, C. H. (2001). The parenting styles and dimensions *Journal of Geriatric Psychiatry: A journal of the psychiatry of late life and allied sciences*, 23(11), 1175-1181.
- Bartell, T. M. C. (2005). Factor associated with attachment in international adaptation. Unpublished Doctorate Thesis. Kansas State University: USA.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Booth-LaForce, C., & Oxford, M. L. (2008). Trajectories of social withdrawal from grades 1 to 6: Prediction from early parenting, attachment, and temperament. *Developmental psychology*, 44(5), 1298-1313.
- Castille, K., Prout, M., Marczyk, G., & Shmidheiser, M. (2007). The early maladaptive schemas of self-mutilators: Implications for therapy. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 21(1), 58-71.
- Chung, K., & Choi, E. (2014). Attachment styles and mother's well-being among mothers of preschool children in Korea: The mediating role of marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 69(1), 135-139.
- Clifford, C. E. (2013). Attachment and Covert Relational Aggression in Marriages with Shame as a Potential Moderating Variable: A Two Wave Panel Study.
- Dalal, K., & Lindqvist, K. (2012). A national study of the prevalence and correlates of domestic violence among women in India. *Asia Pacific Journal of Public Health*, 24(2), 265-277.
- Darling, N., Cohan, C. L., Burns, A., & Thompson, L. (2008). Within-family conflict behaviors as predictors of conflict in adolescent romantic relations. *Journal of Adolescence*, 31(6), 671-690.
- Dutton, D. G., & White, K. R. (2012). Attachment insecurity and intimate partner violence. *Aggression and violent behavior*, 17(5), 475-481.
- Dutton, M. A., & Goodman, L. A. (2005). Coercion in intimate partner violence: Toward a new conceptualization. *Sex roles*, 52(11-12), 743-756.
- Egeci, I. S., & Gencoz, T. (2011). The effects of attachment styles, problem-solving skills, and communication skills on relationship satisfaction. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30(1), 2324-2329.
- Ellsberg, M., Arango, D. J., Morton, M., Gennari, F., Kiplesund, S., Contreras, M., & Watts, C. (2015). Prevention of violence against women and girls: what does the evidence say?. *The Lancet*, 385(9977), 1555-1566.
- Follingstad, D. R., Bradley, R. G., Helff, C. M., & Laughlin, J. E. (2002). A model for predicting dating violence: Anxious attachment, angry temperament, and need for relationship control. *Violence and victims*, 17(1), 35-47.
- George, M. E. (2004). Relations between parenting style and children's social status. Unpublished. *Clinical Psychology Review*, 10, 329-353.
- Gover, A. R., Kaukinen, C., & Fox, K. A. (2008). The relationship between violence in the family of origin and dating violence among college

- questionnaire (PSDQ). *Handbook of family measurement techniques*, 3, 319-321.
- Samanta, L., & Tompsett, J. (2013). Childhood Maltreatment as a Predictor of Subsequent Interpersonal Problems in Young Adult Relationships: The Mediating Role of Maladaptive Schemas. *Journal of Clinical Psychology*, 53, 319-329.
- Shulman, S., Zlotnik, A., Shachar-Shapira, L., Connolly, J., & Bohr, Y. (2012). Adolescent daughters' romantic competence: The role of divorce, quality of parenting, and maternal romantic history. *Journal of youth and adolescence*, 41(5), 593-606.
- Solomon, B. C., & Jackson, J. J. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 106(6), 978-996.
- Stith, S. M., McCollum, E. E., & Rosen, K. H. (2011). Couples therapy for domestic violence: Finding safe solutions. *American Psychological Association*. 204pp.
- Welburn, K., Coristine, M., Dagg, P., Pontefract, A., & Jordan, S. (2002). The Schema Questionnaire—Short Form: Factor analysis and relationship between schemas and symptoms. *Cognitive Therapy and Research*, 26(4), 519-530.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press.
- Zeigler-Hill, V., Green, B. A., Arnau, R. C., Sisemore, T. B., & Myers, E. M. (2011). Trouble ahead, trouble behind: Narcissism and early maladaptive schemas. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 42(1), 96-103.